



# گل جام چهارم

برونده‌ای درباره مهدی ترابی، هافبک پرسپولیس که کارشناسان

او را مؤثرترین بازیکن لیگ برتر نوزدهم فوتبال ایران می‌دانند

مهدی ترابی در گفت‌وگو با «وطن امروز»

## مغرور شویم فوتبال تنبیه‌مان می‌کند

با یادداشت‌هایی از مجید جلالی، ابراهیم صادقی

و روز به شاه‌علیدوست

### تیتراهای امروز

انتشار اخباری درباره آتش‌سوزی در یک ناو جنگی دیگر آمریکا

## آتش افروز در آتش

صفحه ۷

در دوازدهمین جلسه دادگاه اکبر طبری و سایر متهمان، به اتهامات یک قاضی و یک وکیل رسیدگی شد

## فرمول

## کارچاق‌کنی!

صفحه ۲

برونده «وطن امروز» درباره عواقب قطع پخش شبکه‌های بیرون مرزی به خاطر انباشت بدهی در گفت‌وگو با ۲ کارشناس مطرح رسانه

## جیب‌های خالی

صفحه ۵



«وطن امروز» گزارش می‌دهد در سال هفتم ریاست جمهوری روحانی نرخ هر دلار آمریکا به ۲۵ هزار تومان رسید یعنی ۷ برابر نرخ دلار سال ۱۳۹۲

## ۷× دلار

یک روز مانده به پایان مهلت صادرکنندگان برای بازگرداندن ارز، دلار در بالاترین سطح قیمتی خود قرار گرفت

صفحه ۳

### تحلیل

#### پاتولوژی برجام

#### از منظر سیاست داخلی

سیدفاطمه حسینی: ۵ سال از انعقاد توافق

هسته‌های میان ایران و اعضای ۵+۱ می‌گذرد. هم‌اکنون با برجامی مواجه هستیم که دچار مرگ مغزی شده و علائم حیاتی حداقلی خود را نیز از دست داده است. البته هنوز همه اتصالات مربوط به این «توافق جوانمردگ» کشیده نشده و بانیان انعقاد آن نسبت به اعلام رسمی مرگ آن رضایت نداده‌اند. تا اینجا بماند! فارغ از تحلیل‌هایی که درباره آسیب‌های حقوقی سند برجام و فراتر از آن، خوشبینی کاذب طرفداران «گفتمان مذاکره با غرب» و بانیان شکل‌گیری «اقتصاد تحریم‌محور» مطرح شده است، در بازخوانی سلسله رفتارهای تأثیرگذار بر حوزه سیاست داخلی کشور (در پروسه برگزاری مذاکرات هسته‌ای و انعقاد برجام از سال ۹۲) لازم است نکاتی را مدنظر قرار دهیم. یک: نظریه برچسب‌زنی (Labeling Theory) یکی از تئوری‌های کاربردی در توجیه «قلب‌ساز» یا «ایجاد هراس کاذب» در یک ساختار سیاسی-اجتماعی محسوب می‌شود. این نظریه به که توسط «هولدر سول پیکر» و دیگر جامعه‌شناسان مشهور ارائه و تشریح شده است، بخواهی نشان می‌دهد چگونه عدای با چسباندن «برچسب منفی» به منتقدان، به اهداف کوتاه‌مدت خود دست پیدا می‌کنند. نظر می‌رسد این تئوری قابلیت زیادی برای تشریح فضای داخلی کشور در دوران انعقاد برجام دارد دولت یازدهم، در همان آغاز شکل‌گیری انتقادات دلسوزانه و هشداردهنده‌ها که معطوف به سند برجام و آسیب‌های بالقوه و بالفعل حقوقی آن بوده، از منتقدان، تحت عنوان «دلوایس» یاد کرد متعاقباً، دولت با تصویرسازی کاذب از کسانی که آنها را «دلوایس» می‌خواند، آنها را «کانسپان تحریم»، «دروغگویان»، «فرد تندرو»، «فراطیون» و... نامید. این «برچسب‌ها» به اندازه‌ای از سوی جریان طرفدار برجام و دولت تکرار شد تا کلمه «دلوایس» به یک «کلیدواژه سلبی» و «بازدارنده» در جامعه تبدیل شد.

در این تصویر مجازی، دلواپسان کسانی بودند که چشم‌دین بیهود اوضاع اقتصادی و روانه شدن میلیارد دلار (۱) پول و برقراری دوباره «سوئیفت» و «همکاری صدها بانک آمریکایی» و اروپا با ایران را نشان‌دهنده‌های و همچنان کاذب ناشی از «انعقاد توافق هسته‌ای» به عنوان تنها راهکار خروج کشور از بن‌بست، به اندازه‌ای در فضای داخلی جامعه از سوی دولت و حامیانش طین‌انداز شد که هشدار منتقدان مبنی بر اینکه میان «واقعیت برجام» و آنچه در عمل تبلیغ شده سختی وجود ندارد به گوش نمی‌رسید. «تسخیر»، «سکوت» و «خشیم» ۳ مؤلفه اصلی پاسخ‌هایی بودند که طرفداران برجام خطاب به منتقدان مطرح می‌کردند.

ادامه در صفحه ۲

## چگونه دهک‌های پایین از تورم بهره‌مند شوند

هستند بدهکاران کلان به‌نظام بانکی کشور و حتی دولت به عنوان بزرگ‌ترین بدهکار به بخش‌های مختلف راه می‌توان منتفعان بزرگ افزایش تورم در کشور دانست چرا که با کاهش ارزش پول ملی عمل‌آرزش بدهی آنها بشدت کاهش می‌یابد. گروه دوم نیز ثروتمندان و افراد دارای سرمایه‌های کلان و کالاهای بادوام هستند که با افزایش نرخ ارز و نرخ تورم بر میزان ارزش و قیمت دارایی‌های آنها افزوده می‌شود. همه ما بارها این جمله را شنیده‌ایم که افزایش تورم، ثروتمندان را ثروتمندتر کرده و فقرا را فقیرتر می‌کند. دلیل اصلی این موضوع وجود ثروت و دارایی بسیار در اختیار ثروتمندان و عدم مالکیت یا دارایی برای خانوارهای فقیر و دهک‌های پایین درآمدی است. به بیان دیگر تورم بیشترین فشار را به گروهی از جامعه وارد می‌کند که کمترین دارایی و سرمایه را در اختیار دارند. در ماه‌های اخیر برخی افراد و خانوارها که در طبقه متوسط جامعه یعنی دهک‌های ۴ تا ۷ دسته‌بندی می‌شوند، اگر چه از این نوسانات ارزی و کاهش ارزش پول ملی بشدت آسیب دیده و گاه بخش قابل توجهی از توانایی و قدرت خرید خود را از دست داده‌اند اما با این حال به واسطه تملک دارایی‌هایی چون اوراق بهادار، خودرو، طلا، زمین و... دارایی‌های آنها نیز متناسب با افزایش تورم افزایش یافته و همین موضوع به لحاظ روانی تا حدودی موجب آرامش و احساس رضایت این دهک‌ها شده است. در مقابل گروهی از جامعه که از کمترین دارایی برخوردارند بیشترین آسیب را از کاهش ارزش پول ملی افزایش یابد. در واقع افزایش شدید تورم دهک‌های پایین جامعه از آنجا که کمترین کالای سرمایه‌ای را در اختیار دارند کمترین منتفع از تورم این میان جمعیت حاضر در دهک‌های ۴ تا ۷ عموماً «فقشار و جمعیت متوسط جامعه» بودند؛ موضوعی که با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز و کاهش ارزش پول و قدرت خرید یارانه‌های حمایتی دولت از جمله یارانه نقدی و یارانه معیشتی، باعث شده گستره افراد فقیر در جامعه افزایش یابد. از سوی دیگر اگر چه بدون شک تورم‌های شدید و کاهش ارزش پول ملی برای اقتصاد مخرب و زیان‌آور است اما همواره ۲ گروه از این موضوع (افزایش تورم) منتفع می‌شوند: گروه اول بدهکاران

### نگاه

#### میثم مهرپور: بدون شک، تورم یکی از مشکلات ساختاری

اقتصاد ایران است؛ مشکلی که در هیچ اقتصاد توسعه‌یافته‌ای دیده نمی‌شود و شاید در بدبینانه‌ترین حالت بتوان گفت چیزی حدود ۱۰ کشور دنیا گرفتار تورم ساختاری‌اند. کنترل و مهار تورم را می‌توان یکی از پیش شرط‌ها و الزامات توسعه و پیشرفت اقتصادی در کشورها دانست به نحوی که هیچ کشور پیشرفته‌ای در حوزه اقتصاد، شاهد تورم‌های ساختاری و رقمی نیست. با این حال اگر چه سال‌هاست دولتمردان ایرانی از مهار و تک‌رقمی کردن تورم سخن گفته و این موضوع در تمام برنامه‌های توسعه به عنوان هدف‌گذاری تورمی مطرح شده است اما در نیم قرن اخیر این هدف‌گذاری را هرگز محقق نشده و در صورت تحقق هم، یا معلول رکود و بی‌حرکی دولت‌ها در اقتصاد و یا موقت و گذرا بوده است. با این حال اگر چه اصلاح ساختاری اقتصاد که منجر به کنترل و مهار تورم خواهد شد باید به یک اصل در اقتصاد ایران تبدیل شود اما واقعیت‌های اقتصادی ایران مانند کاهش قدرت خرید، کاهش ارزش پول ملی، تغییرات گروه‌های کالایی برای تخصیص ارز، افزایش نرخ ارز و... نشانگر این است که تورم حداقل طی یکی دو سال آینده آن هم با شدتی بیشتر از سلسله‌های قبل میهمان سفره ما ایرانی‌ها خواهد بود. موضوع تورم و کاهش قدرت خرید مردم در سال‌های اخیر و عدم جبران آن از طریق افزایش درآمد‌ها و حمایت‌های دولتی، موجب شده دایره فقر در ایران افزایش یافته و شاهد یک جابه‌جایی و تغییر محسوس در دهک‌بندی‌های درآمدی جامعه باشیم، به طوری که در سال‌های گذشته دهک‌های درآمدی ۱ تا ۳ «فقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه» و دهک‌های ۸ تا ۱۰ «دهک‌های برخوردار جامعه» و به شمار می‌رفتند و در این میان جمعیت حاضر در دهک‌های ۴ تا ۷ عموماً «فقشار و جمعیت متوسط جامعه» بودند؛ موضوعی که با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز و کاهش ارزش پول و قدرت خرید یارانه‌های حمایتی دولت از جمله یارانه نقدی و یارانه معیشتی، باعث شده گستره افراد فقیر در جامعه افزایش یابد. از سوی دیگر اگر چه بدون شک تورم‌های شدید و کاهش ارزش پول ملی برای اقتصاد مخرب و زیان‌آور است اما همواره ۲ گروه از این موضوع (افزایش تورم) منتفع می‌شوند: گروه اول بدهکاران

## لزوم پرهیز از شرطی کردن اقتصاد کشور

در کشور، اهتمام به اشتغال، مهار تورم، ارائه راهکار برای خم‌نشدن پشت مردم زیر بار تورم افسارگسیخته و یافتن راه‌حل برای افزایش ارزش پول ملی بود. نظام مالی و پولی کشور نیاز به مدیریت فنی دارد، مرکز قانون‌گذاری کشور باید در این مدیریت سهم تقنین را ادا کند، صدور نفت امروز به کمترین میزان خود رسیده و مجلس باید تریبی اتخاذ کند که بودجه آینده بدون اتکا به نفت باشد، مسکن، ازدواج و تسهیل مسیر آن، مسأله فرزندآوری و جلوگیری از حرکت بال‌بمان، تحصیلمکرده و کارآمد به مجلس راه پیدا کرده‌اند که می‌توانند موتور حرکت مجلس به سوی اهداف انقلابی باشند. ۲- شماری از مردان انقلابی و دارای سوابق اجرایی که از مسئولان و وزرای دولت‌های سابق بودند به مجلس راه پیدا کرده‌اند. ۳- پیشکسوتانی از نمایندگان مجلس که در ادوار گذشته بودند در این مجلس حضور دارند. این نخستین‌بار است که رهبر بزرگوار انقلاب از کلیات یک مجلس با این مشخصات یاد می‌کنند و همین است که امید مردم به نمایندگان انقلابی، قوی و جوانان پرانگیزه و مدبرانی که قبلاً در چندوچون اجرا بودند و الان در مقام تقنین برآمده‌اند، برای اصلاح امور زیاد است. رهبر انقلاب ۶ توصیه‌فوق‌العاده مهم به نمایندگان انقلابی داشتند و فرمودند: «باید نیت خود را خالص کنید، فقط برای مردم کار کنید، از جزدگی پرهیز کنید، به‌سوگندنمایندگی خود فکر کنید؛ بویژه درباره پاسداری از اسلام و دستاوردهای نظام، روی مسائل کلیدی و اصلی تمرکز کنید و از حاشیه‌پردازی پرهیز کنید، اولویت‌بندی نسبت به مسائل کشور داشته باشید و مسائل کشور را بشناسید». اولویت‌های مجلس از نگاه رهبر حکیم انقلاب هم‌اهتمام به تولید

### یادداشت



#### محمد کاظم انبارلویی: رهبر

حکیم انقلاب درباره مجلس یازدهم از عنوان «قوی‌ترین انقلابی‌ترین مجلس پس از پیروزی انقلاب اسلامی» استفاده کردند که این مسأله در چند زمینه حائز اهمیت است. ۱- مشخصه این مجلس این است که جوانان پرانگیزه، بال‌بمان، تحصیلمکرده و کارآمد به مجلس راه پیدا کرده‌اند که می‌توانند موتور حرکت مجلس به سوی اهداف انقلابی باشند. ۲- شماری از مردان انقلابی و دارای سوابق اجرایی که از مسئولان و وزرای دولت‌های سابق بودند به مجلس راه پیدا کرده‌اند. ۳- پیشکسوتانی از نمایندگان مجلس که در ادوار گذشته بودند در این مجلس حضور دارند. این نخستین‌بار است که رهبر بزرگوار انقلاب از کلیات یک مجلس با این مشخصات یاد می‌کنند و همین است که امید مردم به نمایندگان انقلابی، قوی و جوانان پرانگیزه و مدبرانی که قبلاً در چندوچون اجرا بودند و الان در مقام تقنین برآمده‌اند، برای اصلاح امور زیاد است. رهبر انقلاب ۶ توصیه‌فوق‌العاده مهم به نمایندگان انقلابی داشتند و فرمودند: «باید نیت خود را خالص کنید، فقط برای مردم کار کنید، از جزدگی پرهیز کنید، به‌سوگندنمایندگی خود فکر کنید؛ بویژه درباره پاسداری از اسلام و دستاوردهای نظام، روی مسائل کلیدی و اصلی تمرکز کنید و از حاشیه‌پردازی پرهیز کنید، اولویت‌بندی نسبت به مسائل کشور داشته باشید و مسائل کشور را بشناسید». اولویت‌های مجلس از نگاه رهبر حکیم انقلاب هم‌اهتمام به تولید

بازگشت همه به سوی اوست

### همکار گرامی جناب آقای محمدرضا کردلو

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحومه غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم